



حاج اصغر ۸۶ ساله؛ بازمانده کاسبان منصف

دیدار با حجره دار سالمندی که در قدیمی ترین بازار شیراز به شیوه گذشته کسب و کار می کند

مریم نوروزی | خبرنگار

در گذر از راسته اصلی قدیمی ترین بازار شیراز که قدمت آن به درازای تاریخ زندگی حافظ شیرازی، یعنی قرن هشتم هجری می رسد، به حجره مردی متدین و باصفا می رسیم. «حاج اصغر خواست خدایی» از معدود کسبه بازار «حاجی» است که در ۸۶ سالگی هنر دست زنان عشایر و روستایی و افغانستانی را در حجره بی پیرایه اش می فروشد. این مرد زلال تنها کسی است که با مردم، چه فروشنده و چه خریدار، مثل گذشته رفتار می کند. گذشته ای که کم کم دارد به ۵۰ سال نزدیک می شود.

دست نخورده در تاریخ

در طول این سال ها او تنها کسی است که این جامانده، در همین حجره ساده قدیمی که در آن خبری از دکوراسیون داخلی و طبقه بندی نیست. نه اسپیلت، نه در برقی و نه حتی دستگاه کارت خوان. همه چیز در ست مثل چهل و چند سال پیش است، حتی در خرید و فروش. رواداری حاج اصغر فقط به قیمت پایین جنس ها و نسیه دادن محدود نمی شود.

بارها شاهد معامله اش با زنان روستایی بوده ام که با انصاف همان روز گاران با این زنان هنرمند رفتار می کند. نزدیک وقت نماز، مشغول هر کاری که باشد، به سرعت تمامش می کند و با قدم های همچنان استوارش به سمت قدیمی ترین مسجد شهر، مسجد جامع «عتیق» می رود. خبری از چفت و بست کردن مغازه نیست. مغازه را با یک اشاره به همسایگان می سپارد



وراهی مسجد می شود. می پرسم چطور جرئت می کنی حجره را رها کنی، جواب می دهد: «همیشه کارم همین بوده. خدا، حافظ و نگهبان همه است». بعد برایم تعریف می کند که در گذشته، همه کسبه وقت نماز دست از کار می کشیدند تا در همین مسجد عتیق پشت سر شهید دستغیب نماز بخوانند.

این جا هیچ کس ضرر نمی کند

یک زن روستایی فرشی بیدزده پاره برای فروش می آورد که با پولش هزینه دکتر و دوایش را جور کند. وقتی می بینم حاج اصغر فرش را به قیمتی بالاتر از ارزشش می خرد، می پرسم: «ضرر نمی کنی؟ مگه کسی حاضره این فرش کهنه رو ازت بخره؟». با لهجه شیرینش می گوید: «ها! چرا که نه؟ خدا بزرگه. هر کسی روزی خودش رو داره». تلفن قدیمی مغازه نگ می خورد، پسر حاجی است. باید مغازه را ببندد و خودش را به سر خیابان برساند تا با پسرش راهی منزل شود. ظرف های ناهارش را که اغلب جیره مختصری است، جمع می کند و چون دستانش دیگر توان چندانی ندارند، از رهگذران یا همسایه ها طلب کمک می کند تا کرکره مغازه را پایین بیاورند. حاج اصغر که می شود گفت تنها بازمانده این راسته از بازار است، کرکره مغازه اش را با صلوات و شکر خدا و ذکر یا امام زمان (عج) می بندد و راهی منزلش می شود. توکل، سادگی، اعتماد و صداقت در تک تک رفتارهایش جاری است.

تنها کار همسر ۶۴ ساله ام، ایراد گرفتن از من است!



مردی ۶۸ ساله هستم و خانم ۶۴ ساله. تنها کار خانم ایراد گرفتن از من است. انگار هر روز در برنامه اش هست که اشتباهات گذشته ام را به من یادآوری کند! خیلی با من بحث می کند و اعصابش را ندارم. چه کنم؟

راهله فارسی | مشاور

مخاطب گر امی، تجربه زندگی مشترک با همسری که همیشه موضوعی برای ایراد گرفتن پیدا می کند، خیلی سخت است. شما باید به خاطر سلامت روحی و هیجانی تان، راه هایی برای غلبه بر چنین شرایطی پیدا کنید. یکی از بارزترین پیامدهای زندگی با همسر ایراد گیر و ریزبین را می توان ایجاد و سواست خفیف یا گاهی شدید در طرف مقابل برشمرد. مرد یا زن در طول زندگی با همسری که مدام از رفتارها و کارهایش ایراد می گیرد، قدرت تعقل و تمرکز کامل و جامع خود و به مرور زمان، اعتماد به نفس و روحیه انسانی اش را از دست می دهد و از جایی که همواره از دست همسر خود عصبانی و خشمگین است و آن احساسات را به دلیل برخی ملا حظات بروز نمی دهد یا کمتر ابراز می کند، دچار افسردگی های مزمن می شود. در ادامه چند توصیه به شما داریم.

با همسر تان در این باره حرف بزنید

باتوجه به نکات مطرح شده، باید بدانید که بهترین کار هنگام بهانه گیری همسر تان این است که او را به حال خودش رها کنید. یادتان باشد مقابله به مثل کردن، وضعیت را وخیم تر می کند و نتیجه ای جز جنگ و دعوا نخواهد داشت. اگر هم خواستید پاسخ دهید بهتر است کوتاه و فقط در حد بیان

دیدنی ها

عشق پیرانه سری

آغوش گرفتند. مارگارت به خبرنگاران گفت: «ندیدن جوزف سخت ترین و ناراحت کننده ترین اتفاقی بود که من تجربه کردم». جوزف هم گفت: «کلمات نمی توانند توصیف کنند چه احساسی دارم که پس از تقریباً یک سال دوباره می توانم همسر را بغل کنم. لحظه دوری از مارگارت چیزی شبیه به تجربه جهنم بود.» از زمانی که این ویدئو با توضیح «هیچ چشمی با تماشای این ویدئو خشک نمی ماند» در صفحه فیس بوک این خانه سالمندان به اشتراک گذاشته شد، میلیون ها بازدید و ده ها هزار لایک داشته است. منبع: nypost



پیشنهاد

رقابت بر سر مخروط های رنگی

بازی فکری این هفته، از آن بازی های کار در دست است که اصلا نمی شود دوستش نداشت. یک تیم حرفه ای طراحی اش کرده، سال ۲۰۱۱ بهترین بازی استراتژیک در فرانسه شناخته شده و کلی هم جایزه برده است.



اسم بازی: کابالئو
نوع بازی: استراتژیک
تعداد بازیکن ها: ۲ تا ۴ نفر

کابالئو از ۶۶ مخروط رنگی تشکیل شده است به نام های «هدف»، «پایه» و «قطعه». در شروع بازی هر بازیکن یک مخروط هدف را به طور تصادفی

انتخاب می کند. رنگ این مهره رنگ شما تا آخر بازی است که باید آن را از حریف تان مخفی نگه دارید چون هدف بازی این است که بتوانید بدون لورفتن رنگ مهره تان، صفحه بازی را با آن پر کنید. در مرحله بعد مخروط های پایه را به صورت تصادفی در صفحه بچینید و مخروط های قطعه را به طور مساوی بین بازیکن ها تقسیم کنید. حالا بازی شروع می شود. شما باید طبق قوانین بازی مهره های قطعه را روی پایه ها بچینید طوری که در انتها، رنگ غالب صفحه بازی، هم رنگ مهره هدفی باشد که بازی را با آن شروع کردید.

روش انجام بازی خیلی ساده است اما مهارت هایی مثل توانایی پیش بینی و تمرکز را درگیر می کند. برای همین کابالئویکی از بازی هایی است که معمولاً به افراد سالمند پیشنهاد می شود. این بازی را می توانید از اسباب بازی فروشی ها، فروشگاه های لوازم تحریر و کتاب فروشی های بزرگ با قیمت حدوداً ۷۰ هزار تومان تهیه کنید. پیشنهاد ما به شما سفارش اینترنتی بازی از طریق سایت های معتبر است.

مسابقه

ایشون رومی شناسین؟

مسابقه هفته قبل که پاسخش «قفل و کلید چوبی» بود، به شکل عجیبی با استقبال شما مهربانان روبه رو شد و به قول امروزی ها «تر کوندین»! خیلی خوشحالیم که با ما در تماس هستید. به رسم تشکر، نام و سن چند نفر که پاسخ درست رو فرستاده بودن اعلام می کنیم: وحیده ملکی ۳۹، هادی اسکندری ۴۲، علی رشته ۳۹، حسین اسماعیل زاده ۷۰، فاطمه محمدی ۵۲، حسین سبحانی زاده ۴۰،

سعیده امیرزاده شهری ۴۳، محمد زهدی ۵۰، هاشم صمدانی ۵۷، محمدرضا دوستی ۵۰، مجید باوندی ۳۴، سید محمد حسن نیا ۴۷، اکرم حسینی ۳۹، احمد مرادی ۵۱ و محمد علی ساقی ۷۱ ساله.

این هم مسابقه این هفته که فکر می کنیم ممکنه سخت باشه ولی شما از عهده اش بر خواهید اومد.

راهنمایی: یکی از استادان موسیقی ایران که عمر شان دراز باد.